

امکانات، برای فعالیت متنوع، جذاب و اثر گذار فرهنگی مهیاتر است. با این همه در دهه های مورد اشاره، حال و احوال نشریات سینمایی بهتر و امیدوار کننده تر بود. امید آفرینی در سینما و تولیدات سینمایی به امیدواری زندگی و حیات محترم نشریات سینمایی وابسته است.

در سنتکار: یکی از مهم ترین دوره های ادبیات سینمایی بر می گردد به دوران فعالیت پرویز دوابی در اواخر دهه چهل و اوایل دهه پنجاه. به نظر من آن زمان، دوره خوبی بوده، چند نویسنده خوب نیز در آن دوران ظهور کردند که شاخص ترینشان آقای پرویز دوابی بوده است. در سال های بعد از انقلاب، تولد و تبلور مجله «فیلم» در دهه شصت بوده و به نظر من مهم ترین اتفاق در این حوزه بوده است. مجله «فیلم» تماما دهه شصت را به نام خودش ثبت و ضبط کرد. ذائقه سازی کرد و نسل های جدید را به سینما معرفی کرد، هم به عنوان فیلم ساز و هم به عنوان نویسنده و خیلی کارهای زیادی را صورت داد. در دهه هفتاد به نظر من اهمیت مجله «دنیای تصویر» بیشتر بود چرا که مجله «دنیای تصویر» بوجود آمد، آن حالت منوپول «مجله فیلم» را شکست و یک حالت توسعه یافتگی نه تنها در تعداد نشریات بوجود آمد، بلکه اساسا یک رویکرد جدید در نقد فیلم بوجود آورد و به نظر من سینمای ما مرهون توجهی است که نویسندگان مجله «دنیای تصویر» در دهه هفتاد، به سینما داشتند. در دهه هشتاد این موضوع یک مقدار تحت تاثیر دولت ها قرار گرفت. بخاطر این که به عقیده من مسائل معطوف به حوزه فرهنگ ما به طور کلی متولی ندارند. بنابراین این من معتقدم که اصلا متولی فرهنگی در کشورمان نداریم و در دهه هشتاد این را به عینه می بینید. به این دلیل که مجلات سینمایی ضعیف شد، سینماها ضعیف شد و کسانی که بر سر کار آمدند، فرهنگ جزو مسائل اصلیشان نبود و بارها و بارها از فرهنگ به عنوان چرخ پنجم گاری یاد شد. به همین دلیل در دهه نود اساسا دیگر چیزی به نام فرهنگ و چیزی به نام مجلات سینمایی وجود نداشت، یا به عبارتی دیگر توسعه فرهنگی از طریق مجلات سینمایی نداریم. اگر هم داشته باشیم، خیلی کم رنگ شده است. دهه جدید هم که تازه شروع شده و نمی شود قضاوت کرد. هر چند که آنقدر مسائل اقتصادی بر روی زندگی مردم تاثیر گذاشته که بعید است، بتوان راجع به دوره جدید نگاه مثبتی داشت و مجبوریم با بدبینی به آن نگاه کنیم. امیدوارم با دوباره چاپ شدن مجله صبا این موضوع بهتر شود.

۴. نقش مجلات در فروش فیلم ها

کثیر بان: در حال حاضر مجلات هیچ نقشی در فروش فیلم ها ندارند. به هر حال وجود اینترنت، سایت ها و فضای مجازی باعث شده که خبرها خیلی زود برسد و تحلیل ها

خیلی زود منتشر شود. هر کسی خودش یک صفحه مجازی دارد و سایت ها هم در جا می توانند هر چیزی را منتشر کنند. عملا روزنامه ها و مجله ها نقششان خیلی کم رنگ و قدرشان کم شده است. مگر این که بتوانند مصاحبه عجیب و غریب یا پرونده خیلی خاصی، چاپ کنند. ماهنامه شاید دیگر جوابگوی نیاز مخاطب نباشد، مگر این که با نویسندگان خیلی خوب و با یک رویکرد خیلی متفاوت ارائه شوند که من واقعیتش عملا این را نمی بینم و خب تیراژ مجلات هم دارد این گزاره را تایید می کند. در مجموع نقش مجلات در فروش فیلم ها به نظر من خیلی کم، شاید نزدیک به صفر شده است.

شهرام خرازی ها: مجلات سینمایی در کشورهای توسعه یافته در فروش فیلم ها نقش تاثیر گذار و غیر قابل انکاری دارند، اما در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران از چنین جایگاهی برخوردار نیستند. زیرا گیشه سینمای کشورهای در حال توسعه هیچ ربطی به خروجی مجلات سینمایی ندارد. کمتر کسی در ایران نقد فیلم می خواند و کمتر کسی منتقدان فیلم را به نام می شناسد. نقد فیلم یک فرایند ناشناخته و حاشیه ای تلقی می گردد و از اهمیت والا و جایگاه محکمی برخوردار نیست. در ایران عده بسیار کمی قبل از رفتن به سینما، فیلمی را از روی پوستر و تبلیغات سینمایی مجلات و یا به واسطه خواندن نقد فیلم انتخاب و تماشا می کنند.

در سنتکار: اساسا مدیا که شامل سوشیال مدیا، تلویزیون، کتاب ها و مجلات سینمایی است، نقش آفرین هستند. حال نقش برخی از آن ها ممکن است آبی باشد، برخی یک مدت معین و برخی در طولانی مدت باشد. قطعاً در این که مجلات در نگهداری و پالایش فیلم ها و همچنین در فضای سینما بسیار اثر بخش هستند، شکی نیست، فقط باید در مقاطع مختلف به آن ها نگاه کرد. مثلاً مجله «فیلم» یک تداوم چهار دهه ای در ادبیات سینمایی دارد و این خودش اتفاق بسیار مهمی است. این که چیزی بتواند در چهار دهه کشور ما، تداوم داشته باشد آن هم یک مجله سینمایی، خیلی مهم است. بنابراین دلیل بوجود آمدن این تداوم، اثر بخشی آن بر روی فیلم ها، سینما و بر روی نسل های نویسنده یا خود سینماگران است و این کاملاً مشخص است. جبار آذین: بدون تردید هر گونه واکنش مثبت و منفی نشریات سینمایی، پوشش های خبری و گزارشی، مصاحبه و نگارش نقد، برای یک اثر سینمایی تبلیغ محسوب می شود و تبلیغ، آن اثر را به میان مردم می برد و با ترغیب علاقه مندان، آن ها را روانه سالن های سینما کرده و در فروش فیلم ها ایفای نقش می کند. این روند و رویداد معمول اغلب نشریات سینمایی است و اگر تهیه و تولید مطالب رپرتاژ



در سنتکار: معتقدم که اصلا متولی فرهنگی در کشورمان نداریم و در دهه هشتاد این را به عینه می بینید. به این دلیل که مجلات سینمایی ضعیف شد، سینماها ضعیف شد و کسانی که بر سر کار آمدند، فرهنگ جزو مسائل اصلیشان نبود و بارها و بارها از فرهنگ به عنوان چرخ پنجم گاری یاد شد. به همین دلیل در دهه نود اساسا دیگر چیزی به نام فرهنگ و چیزی به نام مجلات سینمایی وجود نداشت

آگهی و آگاهی های تبلیغاتی فیلم را هم به حساب آوریم، علاوه بر کسب درآمد نشریات، به فروش بیشتر فیلم ها کمک می کند. رسانه های سینمایی، تریبون های اجتماعی سینما و تولیدات سینمایی و سینماگران اند.

۵. مهم ترین چالش هایی که مجلات سینمایی با آن سر و کار دارند

در سنتکار: من مجله سینمایی در نیارودهم ولی می دانم انتشار مجله سینمایی چه مکافاتنی است. چون شما به عنوان یک مجله سینمایی باید صفحات نقد داشته باشید، با مسئولین و مدیران صریح حرف بزنید، نظام فرهنگی و سینمایی را به چالش بکشید، مراقب ابتذال باشید و هزاران مسئله دیگر. از آن طرف آگهی شماز دولت، سازمان سینمایی و فیلم ها می آید و اینجا یک مقدار دست شما بسته می شود. از طرفی بی نظمی برخی از تولیدکنندگان فیلم ها، به طور مثال فیلم سازی از فیلمش عکس ندارد یا به سختی می شود از آن ها چیزی گرفت. خب مجلات سینمایی هم یک طرفشان کاغذ است، یک طرفشان آگهی و یک طرفشان هم متربالی ارائه شده از طرف تولیدکنندگان فیلم است و نویسندگانشان. بنابراین این کار بسیار پیچیده و چندوجهی است. همین اخیراً یکی از دوستان من راجع به فیلمی نقدی نوشته بود و به یکی از مجلات سینمایی داده، منتظر بود نقدش چاپ شود اما نقد او چاپ نشد. خب خود این نشان می دهد که در واقع آن مجله الان تحت فشار نویسندگانی است که مطالب بعضی نویسندگان را چاپ نمی کنند یا اگر چاپ کنند، ممکن است معضلاتی بوجود بیاید. بنابراین قطعاً مجلات سینمایی مشکلاتشان زیاد است و ما می توانیم سرنوشت مجله فیلم را، نه مجله «فیلم» امروز را که آقای گلمکانی و آقای باری دارند در می آورند، بلکه مجله «فیلم» را ببینیم که چه چیزی باعث شد این مجله با سی، چهل سال قدمت، یک دفعه از جریان خودش

